



---

# حق و سوء استفاده از آن

---

محمد علی موحد



www.ketab.ir

تهران، زمستان ۱۳۹۷



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه : موحد، محمدعلی، ۱۳۰۳ -

عنوان و نام پدیدآور : حق و سوءاستفاده از آن / محمدعلی موحد.

مشخصات نشر : تهران : نشر کارنامه، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری : ۱۹۹ ص.

فروست : کارنامه حقوق سیاسی و قضایی؛ ۶.

شابک : ISBN 978-964-431-101-7

وضعیت فهرست‌نویسی : فیا.

یادداشت : کتاب‌نامه: ص. ۱۸۵-۱۹۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت : نمایه.

موضوع : سوءاستفاده از حق.

موضوع : Abuse of Rights

موضوع : قاعده لاضرر.

موضوع : Lazarar Formula (Islamic Law)

رده‌بندی کنگره : ۵۷۹/س ۹ م ۸۱۳۹۷

رده‌بندی دیویی : ۳۴۲/۰۸۵

شماره کتاب‌شناسی ملی : ۵۴۸۳۱۹۸

# آنانا مهلقته ساءهت ورقه

نصه رلدنمه



حق و سوه استفاده از آن محمدعلی موحد



کارگاه نشرکارنامه

ویرس و تولید

ست: درخشانی، سیمه شمر، مجید رنجبر  
سره جعفریور، شهلا شمس و عادل قشقای  
سمانه ایران پرست



امور هنری

تصویرسازی صفحه ۴

طرح و اجرای جلد

مریم تکلر

ناظر چاپ

محسن حسن

روزبه زهرایی

چاپ ستاره سبز

صحافی معین

چاپ اول، زمستان ۱۳۹۷ ۱۱۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر این اثر انحصاراً برای نشرکارنامه محفوظ است.

هرگونه استفاده از کتاب آرایشی و عناصر آرایشی این کتاب اکیداً ممنوع است. همچنین هر نوع استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن به هر صورت (چاپ، فتوکپی، کتاب صوتی و الکترونیک و نشر در فضای مجازی)، کلاً و جزئاً، ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

مراکز پخش و فروش:

پخش کارنامه، خیابان شهید باهنر (تیاوران)، شماره ۱۳۵، تلفن ۰۲۶۱۱۷۹۸۶ و ۰۹۱۲۶۴۳۹۱۵۱

فروشگاه بزرگ شهر کتاب [Logo] با همکاری نشرکارنامه، خیابان شهید باهنر (تیاوران)، شماره ۱۳۷

تلفن ۰۲۲۲۸۵۹۶۹ • فکس ۰۲۸۰۸۱۹۲

نشرکارنامه: شماره ۱۰ کوچه فردانش، خیابان وصال شیرازی، تهران ۰۲۱۷۷۳۳۴۷۳، تلفن ۰۸۸۹۵۶۴۸۲، فکس ۰۸۸۹۵۶۴۸۶

|    |       |
|----|-------|
| ۱۷ | مقدمه |
|----|-------|

|    |      |
|----|------|
| ۲۷ | مدخل |
|----|------|

|    |                           |
|----|---------------------------|
| ۲۷ | حق، حد مادی و حد معنوی آن |
|----|---------------------------|

|    |                                |
|----|--------------------------------|
| ۲۷ | تجاوز از حق و سوءاستفاده از آن |
|----|--------------------------------|

|    |                  |
|----|------------------|
| ۲۸ | سابقه تاریخی بحث |
|----|------------------|

|    |                           |
|----|---------------------------|
| ۲۹ | روایتی نو از نظریه‌ای کهن |
|----|---------------------------|

|    |                                               |
|----|-----------------------------------------------|
| ۳۱ | فصل اول: سوءاستفاده از حق از نظرگاه فقه اسلام |
|----|-----------------------------------------------|

|    |                                       |
|----|---------------------------------------|
| ۳۳ | پژواک نظریه در میان حقوق‌دانان مسلمان |
|----|---------------------------------------|

|    |                                       |
|----|---------------------------------------|
| ۳۴ | انعکاس نظریه در قوانین کشورهای اسلامی |
|----|---------------------------------------|

|    |             |
|----|-------------|
| ۳۵ | قانون ایران |
|----|-------------|

|    |                       |
|----|-----------------------|
| ۳۶ | ریشه فقهی قوانین جدید |
|----|-----------------------|

|    |                             |
|----|-----------------------------|
| ۳۷ | مجله الاحکام و تحریر المجله |
|----|-----------------------------|

|    |                           |
|----|---------------------------|
| ۳۷ | معیارهای سوءاستفاده از حق |
|----|---------------------------|

|    |                            |
|----|----------------------------|
| ۳۸ | سوءاستفاده یا تجاوز از حق؟ |
|----|----------------------------|

## فصل دوم: سوءاستفاده از حق و مستندات قرآنی آن

- ۴۱ .....  
 ۴۳ ..... ۱. آیه ۲۳۱ سوره بقره  
 ۴۵ ..... ۲. آیه ۲۳۳ سوره بقره  
 ۴۸ ..... ۳. آیه ۱۲ سوره نساء  
 ۵۰ ..... ۴. آیه‌های دیگر از قرآن

## فصل سوم: قاعده لاضرر و مستندات روایی آن

- ۵۳ .....  
 ۵۵ ..... قلمرو فراگیر قاعده  
 ۵۶ ..... توجه ویژه فقهای شیعه  
 ۵۶ ..... عر شهید اول  
 ۵۷ ..... توضیحات مراغی  
 ۵۸ ..... شاطی و تمان قاعده براساس مصالح و مفاسد  
 ۵۹ ..... همزمان شهید با شاطبی  
 ۵۹ ..... مصلحت از عر غزالی  
 ۶۰ ..... تعارض میان مصلح و مفاسد  
 ۶۱ ..... متفرعات یا اقسام قاعده لاضرر  
 ۶۲ ..... گستره جریان قاعده لاضرر  
 ۶۲ ..... تفکیک سوءاستفاده از حق از سایر موا شمول لاضرر  
 ۶۳ ..... حق و رخصت  
 ۶۳ ..... حق به معنی امتیاز و اولویت  
 ۶۴ ..... بحثی درباره حق و حکم  
 ۶۴ ..... حق در نظر شیخ انصاری  
 ۶۵ ..... نظر آخوند خراسانی  
 ۶۵ ..... نظر کمپانی  
 ۶۶ ..... خلاصه بحث  
 ۶۶ ..... مستندات روایی قاعده لاضرر  
 ۶۷ ..... روایت سمره  
 ۶۸ ..... نظر فقهای شیعه  
 ۶۸ ..... نظر فقهای عامه

## فصل چهارم: تجزیه و تحلیل حدیث لاضرر

- ۷۱ .....  
 ۷۳ ..... ضرر و معنی عرفی آن  
 ۷۳ ..... عرف متغیر است

|    |                                  |
|----|----------------------------------|
| ۷۳ | ضرر اعم از مادی و معنوی          |
| ۷۴ | ضرر و ضرار                       |
| ۷۵ | کاربردها و معانی دیگر            |
| ۷۶ | خلاصه بحث                        |
| ۷۷ | احتمالات سه گانه در معنی لاضرر   |
| ۷۸ | وجه مختار شیخ                    |
| ۷۸ | نقی حکم به لسان نفی موضوع        |
| ۷۸ | معنی حکومت و تقدم لاضرر          |
| ۷۹ | لاضر حاکم بر ادله احکام          |
| ۷۹ | نهی به ابراماده از قاعده لاضرر   |
| ۸۰ | نظر امام خمینی درباره مفاد لاضرر |
| ۸۲ | تأملات و بارزین                  |
| ۸۲ | تحلیل ثانینی                     |
| ۸۳ | اصرار امام خمینی بر طر خود       |
| ۸۳ | حکم سیاسی                        |
| ۸۴ | خلاصه نظر                        |
| ۸۴ | ملاحظات پایانی                   |

## فصل پنجم: در تطبیق قاعده نسبت به موارد استفاده از حق

|     |                             |
|-----|-----------------------------|
| ۸۷  | سوابق استناد به قاعده لاضرر |
| ۸۹  | سوابق از طریق عامه          |
| ۹۰  | نظر شافعی                   |
| ۹۰  | نظر ابوحنیفه                |
| ۹۱  | استحسان                     |
| ۹۲  | فاحش بودن ضرر تابع عرف است  |
| ۹۳  | نظر ابن حنبل                |
| ۹۴  | نظریه ابن القیم             |
| ۹۴  | ابن حزم و امام مالک         |
| ۹۵  | قاعده سد ذرایع              |
| ۹۵  | تحلیل شاطبی                 |
| ۹۶  | تحلیل طوفی                  |
| ۹۹  | برداشت های فقهای امامیه     |
| ۱۰۰ | نظر مختار شیخ انصاری        |
| ۱۰۲ | تحلیل امام خمینی            |
| ۱۰۴ | فتوای امام در تحریر الوسیله |
| ۱۰۶ |                             |

|     |                  |
|-----|------------------|
| ۱۰۸ | تحلیل میرزای قمی |
|-----|------------------|

## فصل ششم: مبنای مسئولیت در سوءاستفاده از حق

|     |                                                |
|-----|------------------------------------------------|
| ۱۱۳ | اصل تقصیر یا نسبت حقوق؟                        |
| ۱۱۴ | بحثی درباره خطا                                |
| ۱۱۵ | مبنای مسئولیت از نظر فقها                      |
| ۱۱۶ | مفهوم تعدی                                     |
| ۱۱۷ | نظر شاطبی درباره تعدی                          |
| ۱۱۸ | نقض غرض قانون‌گذار                             |
| ۱۱۹ | اختلاف اقوال در تعریف سبب                      |
| ۱۲۰ | دلیل میرزای قمی                                |
| ۱۲۰ | معیار مسئولیت در سوءاستفاده از حق و فقه امامیه |
| ۱۲۲ | پُرکری و خلافت‌داری                            |
| ۱۲۲ | نظر مقلدین و شبهات                             |
| ۱۲۴ | تقسیمات مسئولیت قلمی                           |
| ۱۲۵ | تأمل بیشتر در افعال فقها                       |
| ۱۲۷ | قوانین ایران                                   |
| ۱۲۸ | تحلیلی از آل کاشف‌الغطاء                       |
| ۱۳۰ | نتیجه بحث                                      |

## فصل هفتم: جمع‌بندی مطالب، نتیجه‌گیری‌ها و داوری‌ها

|     |                                                             |
|-----|-------------------------------------------------------------|
| ۱۳۳ | ماحصل کلام در اجرای قاعده                                   |
| ۱۳۴ | پرسش‌ها                                                     |
| ۱۳۴ | موازنه مصالح یا تراحم ضررین                                 |
| ۱۳۵ | انگیزه نامشروع                                              |
| ۱۳۶ | جهت مخالف مقصود شرع                                         |
| ۱۳۸ | حیله و تقلب در قانون                                        |
| ۱۳۹ | حسن‌نیت و معیارهای مشابه آن                                 |
| ۱۴۰ | معیار غزالی                                                 |
| ۱۴۱ | نمونه‌هایی از احکام دادگاه‌های غرب                          |
| ۱۴۲ | مقاومت محافظه‌کاران                                         |
| ۱۴۳ | تحولات اجتماعی و اثر آن در بسط مفاهیم حقوقی                 |
| ۱۴۴ | لاضرر در خارج از محدوده روابط همجواری                       |
| ۱۴۷ | ایراد این‌که فقه اسلام نظریه سوءاستفاده از حق را برنمی‌تابد |

|     |                                                                        |
|-----|------------------------------------------------------------------------|
| ۱۴۹ | آیا فقه اسلام «سوء استفاده از حق» را از «تجاوز از حق» باز نمی شناسد؟   |
| ۱۵۲ | آیا در مسئله سوء استفاده از حق، اختلاف بارزی بین فقه امامیه و فقه..... |
| ۱۵۳ | اقبال فقهای متأخر امامیه به بحث از قاعده لا ضرر.....                   |

|     |                |
|-----|----------------|
| ۱۵۷ | پایان سخن..... |
|-----|----------------|

|     |                            |
|-----|----------------------------|
| ۱۶۳ | پی نوشت ها.....            |
| ۱۶۵ | پی نوشت های مقدمه.....     |
| ۱۶۶ | پی نوشت های فصل اول.....   |
| ۱۶۷ | پی نوشت های فصل دوم.....   |
| ۱۶۸ | پی نوشت های فصل سوم.....   |
| ۱۷۰ | پی نوشت های فصل چهارم..... |
| ۱۷۳ | پی نوشت های فصل پنجم.....  |
| ۱۷۸ | پی نوشت های فصل ششم.....   |
| ۱۸۰ | پی نوشت های فصل هفتم.....  |

|     |                  |
|-----|------------------|
| ۱۸۵ | فهرست منابع..... |
|-----|------------------|

|     |            |
|-----|------------|
| ۱۹۳ | نمایه..... |
|-----|------------|

## مقدمه

۱ حق چیز خوبی است و هر چیز خوبی ممکن است مورد سوءاستفاده قرار بگیرد. واژه حق عمدتاً به دو چیز خوب دلالت دارد. در یک معنی حق اشاره است به ذات مقدس و متعالی پروردگار: «فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ، الْحَقُّ»<sup>۱</sup>، و در معنایی دیگر مراد از حق قدرت و امتیاز و اختیاری است که در اجتماع امری به یک شخص (خواه حقیقی و خواه حقوقی) اعطا شده باشد، و در همین معنی اخیر است که احتمال سوءاستفاده از آن توجه صاحب نظران علم حقوق را به خود معطوف می‌داند. کسی که در مقام اعمال و اجرای حق خود برآمده است در نظر اول هیچ ایرادی متوجه او نیست. حقی که نشود از آن برخوردار شد معنی و مفهوم خود را از دست می‌دهد، اما ساده هم بد و خوب دارد. چه ملاک‌هایی ممکن است برای تشخیص استفاده بد از استفاده خوب مورد نظر قرار گیرد؟

روشن‌ترین مصداق استفاده بد آن‌جاست که صاحب حق سوءنیت دارد؛ حقی را به موقع اجرا می‌گذارد برای آن‌که به دیگری آسیب برساند. اصلاً ممکن است در این اعمال حق فایده‌ای به خود او نرسد یا فایده‌ای جزئی برسد که در مقایسه با آسیبی که به دیگری می‌رسد وزنی نیاورد. این البته معنی سراسر «سوءاستفاده» است و باید از آن جلوگیری شود. اما چه بسا که مطلب به این روشنی نیست.

۲ در اواخر قرن هجدهم بود که نگرش حق‌محور در اروپا رونق گرفت و تأکید بر حقوق فردی، که تبلور آن را در اعلامیه حقوق بشر و شهروندی ۱۷۸۹ فرانسه می‌یابیم، روزبه‌روز بیشتر شد و اهمیت و جلا و درخشندگی جهانی پیدا کرد. اما اجرای حق همیشه با خیر و برکت توأم نیست. آری صاحب حق به خواسته خود می‌رسد اما گاهی دود آن به چشم دیگری می‌رود. اجرای حق او موجب خسارتی می‌شود که به گردن غیر (اشخاص دیگر و یا اجتماع) می‌افتد.

اصولاً اعمال هر حقی ملازمه دارد با محروم کردن دیگری از آن حق، و این معنی در مظاهر حق مالکیت و نیز در حق‌های مشابه مالکیت، مانند حق زوجیت که انحصاری ردن حق جزو ذات آن است، کاملاً روشن می‌باشد. حتی در مورد حق‌های بسیار کم‌رنگ‌تر مانند حق استفاده از نیمکتی که در گوشه یک پارک عمومی گذاشته‌اند نیز قابل تامل است. پس می‌توان گفت که در این معنی استفاده از هر حقی مستلزم حرمان شخص دیگری است و این خود آسیبی است که با هرگونه اجرای حق ملازمه دارد. آسیبی به دیگری است اما از این آسیب‌ها در عرف تعبیر به ضرر و زیان نمی‌شود و گر نه اجتماع بشری ولسی‌گشت و هیچ حرکتی در آن مقدور نمی‌شود. وجدان مشترک جامعه این مقدار آسیب را به در هر حال ملازمه با برخورداری از حق دارد می‌پذیرد و در عین حال صاحب حق را تنف می‌سازد که در استفاده از حق خود جانب احتیاط را فرو نگذارد و معقولانه عمل کند. کافی نیست که صاحب حق در اجرای حق خود نیت تخطی و اضرار به غیر نداشته باشد بلکه شیوه عمل و رفتار وی نیز باید مسئولانه باشد. مسئولیت او در وهله این رعایت جانب حزم و احتیاط است و اگر شانه از زیر بار این مسئولیت خالی کند، سبب جبران خسارت بر او تحمیل خواهد شد.

۳ اجرای حق در عمل صورت‌های گوناگون پیدا می‌کند و پیچیدگی‌های روابط بشری در آن مؤثر می‌افتد و به آسانی نمی‌توان درباره آن حکم کرد. سوءاستفاده از حق در معنی عام شامل هر عملی است از صاحب حق که با هدف اخلاقی یا غایت اجتماعی تأسیس آن حق منافات داشته باشد. شاعر گفته است:

تو را تیشه دادند هیزم شکن نگفتند دیوار مردم بکن

حق نیز به منزله تیشه‌ای است که برای شکستن هیزم در اختیار کسی قرار داده شده است و نه برای کندن پی دیوار مردم. سوءاستفاده از تیشه همان سوءاستفاده از حق است.

۴ تلازم حق و مسئولیت در اعماق ضمیر عدالت‌جوی انسان‌ها ریشه دارد، اما در اواخر قرن نوزدهم بود که این ریشه جوانه زد و سر از خاک درآورد و گل کرد و انظار را متوجه خود ساخت. تحولات شگرف اقتصادی و اجتماعی دنیای جدید سبب شد که آن تیشه مبهم که در نهان‌خانه اقلیم عدل و قضا خفته بود شکل بگیرد و در قامت نظریه‌ای تازه در قلمرو مباحث حقوقی به میدان آید و صراحت و شفافیت چشمگیری پیدا کند. زویران حقوق‌دان فرانسوی گفته است که شکل‌گیری این مفهوم پیروزی بزرگی برای فن قضاست و این پیروزی متعلق به همه کشورها و همه اعصار و همه تمدن‌هاست. ریش‌گریک ضرورت اجتناب‌ناپذیر و تکامل حتمی است. حوزه عملکرد این نهاد، در ابتدای امر «حقوق خصوصی» یعنی روابط میان افراد بود و اعمال آن در روابط میان فرد و دولت با اندک تأخیری بر کرسی نشست و آن‌گاه به قلمروهای دیگر علم حقوق راه بست. اینک نظریه سوءاستفاده از حق با عرصه فراگیر مصالح اجتماعی و اقتصادی گره خورده است و به مقتضای آن هر عملی که موجب زیان دیگری بشود مستوجب مسئولیت است. و مقصود از آن تنها زیان‌های فردی نیست که متضرر از آن یک یا چند شخص معین باشد، بلکه زیان‌های عمومی که در نتیجه اعمال حق ممکن است حاصل شود اهمیت بیشتری دارد. مثلاً مسئولیت قدرت عمومی در نظم داخلی دولت‌ها تابع قاعده‌ای است که حقیقی اداری فرانسه تحت عنوان «détournement de pouvoir» از آن یاد می‌کند. واژه فرانسوی *détournement* به معنی تحریف است و مراد از آن منحرف کردن یک مقام اداری از قدرت و اختیاری است که به او تفویض شده و استفاده از آن برای مقاصدی جز آنچه در قانون مورد نظر بوده است.<sup>۲۰</sup>

در ۱۹۸۶ میتران، لیدر حزب سوسیالیست فرانسه، رئیس‌جمهور آن کشور بود. سوسیالیست‌ها در انتخاباتی که صورت گرفت موفق نبودند و اکثریت پارلمان به دست مخالفان افتاد. از اولویت‌های مهم آن پارلمان تصویب مقرراتی برای خصوصی‌سازی بود که با شعارهای سوسیالیسم منافات کلی داشت. دولت منتخب پارلمان هم آیین‌نامه‌های اجرایی قانون را تنظیم کرد و به موجب مقررات قانون اساسی را برای امضا نزد

رئیس‌جمهور فرستاد. میتران از امضای آن‌ها خودداری نمود و در یک مصاحبه تلویزیونی گفت: رئیس‌جمهور علاوه بر تعهدی که به حفظ قانون اساسی دارد متعهد به حفظ استقلال ملی کشور نیز هست. حالا پارلمان آمده یک قانون مختصر و مجمل تصویب کرده که فقط راهکارهایی را معین می‌کند و آن‌گاه فهرستی مشتمل بر ۶۵ واحد همراه این قانون است که مشمول خصوصی‌سازی خواهند شد و من نمی‌توانم قبول کنم صنایع و اموال و کالاهای فراورده‌هایی که از نظر استقلال ملی ما ضرورت و اهمیت دارد بدین نحو در معرض فروش گذاشته شود و فردا به دست بیگانگان بیفتند. طلب خیلی مشکل و پیچیده و مهم است و نمی‌توان آن را برعهده دولت گذاشت. پارلمان باید خود مسئولیت امر را برعهده گیرد و ملاحظات را که لازم می‌داند در متن قانون بیاورد.

ماجرای بعدیها و گونگوهایی را در میان حقوق‌دانان به دنبال آورد. آیا امضای رئیس‌جمهور در این صورت مصوب دولت به چه معنی است؟ رئیس‌جمهور ملزم است آن را امضا کند یا اختیار امضا و عدم امضا هر دو را دارد؟ در زمان ریاست‌جمهوری ژنرال دوگل هم ماجرای مشابه آن رخ داده بود؛ تبصره اصل دهم قانون اساسی سال ۱۹۵۸ مقرر می‌داشت که قوانین مصوب پارلمان در ظرف مدت پانزده روز به امضای رئیس‌جمهور برسد. برخی از حقوق‌دانان فرانسه بر آن بودند که چون اصل سیزدهم قانون اساسی جدید برای امضای رئیس‌جمهور مدتی معین نکرده است معلوم می‌شود او مختار در امضا و عدم امضا است؛ می‌تواند امضا کند و می‌تواند از امضا خودداری نماید. مخالفان پاسخ می‌دادند که اگر هم بگوییم رئیس‌جمهور حق داشته که امضا نکند تازه این سؤال مطرح می‌شود که آیا در این حق معقولانه عمل کرده یا مرتکب سوءاستفاده از حق شده است؟

نظیر این ماجرا در زمان ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد هم در ایران اتفاق افتاد و ما ندیدیم که چنین بحث‌هایی را به دنبال داشته باشد. رئیس‌جمهور وقت بارها از امضا و ابلاغ مصوبات مجلس خودداری نمود اما نه او در صدد توجیه عمل خود برآمد و نه حقوق‌دانان ما در جوانب حقوقی آن مذاقه فرمودند.

۵ از ایکهرست، که از صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل است، نقل شده که گفته است یک نمونه خوب برای سوءاستفاده از حق را در زمینه قانون‌گذاری می‌توان سراغ

گرفت. هر دولتی حق وضع قانون ملی خود را دارد و قانونی که وضع می‌کند باید مورد احترام قرار گیرد. اما دولتی که بخواهد با وضع قانون ملی به ضرر دولتی دیگر اقدام کند مرتکب سوءاستفاده از حق شده است. مثالی که ایکهرست آورده است مربوط می‌شود به ایالات متحده آمریکا و پیشنهادی که کنگره آن کشور در ۱۹۲۰ می‌خواسته است به صورت قانون درآورد. <۲> توجه ایکهرست به قلمرو حقوق بین‌الملل عمومی معطوف بوده است و من گمان می‌کنم در قلمرو حقوق عمومی داخلی نیز می‌توان به همین تقریب از مواردی یاد کرد که دولتی بخواهد با وضع قانون در مقام نقض حقوق و آزادی‌های فردی اتباع خود برآید و همان است که آن را «قانون بی‌قانون» <۳> نامیده‌اند.

۶ اینک که به کاربرد نام سوءاستفاده از حق در قلمرو حقوق بین‌الملل اشاره کردیم باید از مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی یاد کنیم که در برخی از آن‌ها صریحاً از آن نام برده شده است. مثلاً کنوانسیون بین‌المللی مربوط به حقوق دریاها مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲ در ماده ۳۰۰ مقرر می‌دارد:

کشورهای عضو تعهداتی را که به موجب این کنوانسیون برعهده دارند با حسن نیت به موقع اجرا خواهند گذاشت و در اعمال حق و صلاحیت و آزادی‌هایی که در این کنوانسیون مقرر گشته است طوری رفتار خواهند کرد که شمول عنوان سوءاستفاده از حق نشود.

همچنین ماده ۱۷ پروتکل شماره ۱۱ مورخ ۱۹۹۸ راجع به حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی زیر عنوان «ممنوعیت سوءاستفاده از حقوق» مقرر می‌دارد:

هیچ‌یک از مقررات این کنوانسیون نباید طوری تفسیر شود که کشوری یا گروهی یا شخصی بتواند به استناد آن در فعالیتی شرکت نماید یا عملی کند که هدف آن از میان بردن حقوق و آزادی‌های مقرر در این کنوانسیون یا وضع محدودیت‌های بیشتری بر حقوق و آزادی‌های مذکور باشد.

با مروری سطحی بر مواد کنوانسیون‌های بین‌المللی مصوب در نیمه دوم قرن بیستم درخصوص مسائلی چون حفاظت محیط زیست و جنگل‌ها و هوا و فضای

ماورای جو و کانال‌ها و رودخانه‌های بین‌المللی، خسارات حاصل از آلودگی توسط هیدروکربورها، خسارات مربوط به حمل و نقل مواد هسته‌ای، خسارات ناشی از پرتاب ماهواره‌ها و مقایسه آن‌ها با کنوانسیون‌های مشابه که در نیمه اول قرن به امضا رسیده بودند، چنین به نظر می‌رسد که رویکرد مقابله‌نامه‌ها رفته‌رفته از محور حق به سوی محور تکلیف چرخیده است. در اوایل امر برداشت کلی این بود که اگر منع سوءاستفاده از حق به عنوان یک قاعده حقوق بین‌الملل مورد قبول قرار گیرد، آن‌گاه هر عملی و اقدامی در مسیر سوءاستفاده از حق ناقض چنین قاعده‌ای خواهد بود و بدین‌گونه می‌کوشیدند تا مسائلی مانند مسئولیت حاصل از آزمایش‌های هسته‌ای را از طریق نظریه سوءاستفاده از حق حل کنند. اما برخی از صاحب‌نظران بر آن بودند که اگر کشوری با ضایعات حاصل از آزمایش‌های هسته‌ای موجب آلودگی هوا یا آلودگی آب در دیگر کشور می‌شود، نمی‌توان گفت که حق خود را به موقع اجرا گذاشته؛ بلکه رواج حنان کشوری اصل عدم تجاوز را که یک اصل شناخته‌شده حقوق بین‌الملل است نقض کرده است. هیچ کشوری حق ندارد قلمرو خود را طوری مورد استفاده قرار دهد که قلمرو کشور دیگری را آلوده گرداند یا خسارتی بر آن وارد کند. در این مورد اسلأ حقی وجود ندارد تا سوءاستفاده از آن مطرح گردد. با توجه به این قبیل ملاحظات، چنین می‌نماید که لحن مقابله‌نامه‌ها و اسناد بین‌المللی در این‌گونه موارد تغییر کرده است. این معنی که دیگر سخن از حق نیست تا مسئله سوءاستفاده از آن قابل طرح تواند بود. بلکه در این مقابله‌نامه‌ها همه تأکید بر تکلیف و تعهد و مسئولیت است و یا اگر سخن از حق می‌رود بلافاصله و متقابلاً از تکلیف نیز یادآوری می‌شود. مثلاً در اعلامیه ریو ۱۹۹۲ راجع به محیط زیست در عین حال که حق حاکمانه دولت‌ها در بهره‌برداری از منابع تحت حاکمیت خود به عنوان یک اصل مورد تأیید قرار گرفته، بلافاصله تکلیف دولت‌ها نیز گوشزد شده که آن فعالیت‌ها نباید موجب خسارت‌های فرامرزی شود و حتی تأکید شده است که حق توسعه باید به گونه‌ای تحقق یابد که نیازهای مربوط به توسعه و محیط زیست نسل‌های آینده را نیز به طور منصفانه برآورده سازد، و همچنین در اعلامیه دیگر ریو راجع به اصول حفاظت از جنگل‌ها در عین حال که برخورداری دولت‌ها از حق حاکمیت در استفاده از منابع طبیعی خود به رسمیت شناخته شده تعهد آن‌ها در زمینه خسارت‌های زیست‌محیطی مناطق فرامرزی نیز مورد تأکید قرار گرفته است.